

Reflection of Ptolemy's Hypothesis in the Works of Imami Theologians on the Issue of Throne and Seat¹

Reza Darini^{*} Rasul Razawi^{**}

*** Seyyed Isa Mostarhami^{****}

Mohammad Ranjbar Hoseyni

(Received on: 2020-09-05; Accepted on: 2020-12-21)

Abstract

Ptolemaic system is one of the famous theories in astrophysics and cosmology that entered the Muslim community in the third century A.H. through the translation of the texts of Greek-Hellenic civilization and influenced the cosmology of some theological schools until the middle of the thirteenth century AH. Among these influences is the attempt to place *Arsh* (throne) and *Korsi* (seat), which according to Islamic cosmology surround the seven heavens, among the alleged planets of Ptolemy. Apparently, the content of the Ptolemy's hypothesis questioned the position of the *Arsh* and *Korsi* as well as their functions in Islamic cosmology, and hence it was necessary for Muslim schools of thought and theologians to state their views on whether the hypothesis conformed to the Islamic teachings on the *Arsh* and *Korsi*. Using a descriptive-analytical method, this study analyzed how the Imami theologians faced the Ptolemy's hypothesis in the theological issue of the *Arsh* and *Korsi*, and concluded that the philosopher-theologians, i.e. theologians who had a philosophical approach, have made greater efforts to reconcile the Islamic teachings of the *Arsh* and *Korsi* with the hypothesis. However, although non-philosophical textualist and rationalist theologians have not opposed Ptolemy's hypothesis about the *Arsh* and *Korsi*, they have not shown tangible support for it.

Keywords: Ptolemaic System, Imami Theologians, Throne and Seat, Philosopher-theologians, Non-Philosophical Rationalist Theologians.

1. This article is taken from: Reza Darini, "How the Imami Theologians Dealt with Ptolemaic System and Its Consequences", 2020, PhD Thesis, Supervisor: Rasul Razawi, University of Quran and Hadith, Qom, Iran.

* PhD Graduate in Imami Theology, University of Quran and Hadith, Qom, Iran, rezadarini878@gmail.com.

** Full Professor, Department of Theology, University of Quran and Hadith, Qom, Iran (Corresponding Author), razavi.r@qhu.ac.ir.

*** Assistant Professor, Department of Theology, University of Quran and Hadith, Qom, Iran, ranjbar.m@qhu.ac.ir.

**** Assistant Professor, Department of Quran and Science, Al-Mustafa International University, Qom, Iran, dr.mostarhami@chmail.ir.

پژوهش‌نامه امامیه

«مقاله پژوهشی»

سال هفتم، شماره چهاردهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۴۹-۷۱

بازتاب فرضیه هیئت بطلمیوسی در آثار متکلمان امامیه درباره مسئله عرش و کرسی^۱

رضا دارینی* رسول رضوی**

محمد رنجبر حسینی*** سید عیسی مسترحمی****

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱]

چکیده

هیئت بطلمیوسی یکی از دیدگاه‌های مشهور در بحث اخترفیزیکی و کیهان‌شناسی است که در قرن سوم ه.ق. و با ترجمه متون تمدن یونانی‌هلنی، وارد جامعه مسلمانان شده و تا اواسط قرن سیزدهم ه.ق. در مباحث جهان‌شناسی برخی از مکاتب کلامی تأثیر گذاشت. از جمله این تأثیرگذاری‌ها می‌توان به تلاش برای جای‌دادن عرش و کرسی، که در بحث جهان‌شناسی اسلامی محیط بر هفت‌آسمان معرفی شده بود، در میان افلاک ادعایی هیئت بطلمیوسی اشاره کرد. در ظاهر، مفاد هیئت بطلمیوسی، جایگاه عرش و کرسی و کارکردهای آن در جهان‌شناسی اسلامی را در معرض پرسش قرار داده بود و لازم بود مکاتب اعتقادی و متکلمان مسلمان دیدگاه خود درباره مطابقت‌داشتن یا نداشتن دیدگاه این هیئت با آموزه‌های اسلامی درباره عرش و کرسی را اعلام می‌کردند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، چگونگی مواجهه متکلمان امامیه با هیئت بطلمیوسی در مسئله کلامی عرش و کرسی را تحلیل کرده و به این نتیجه رسیده است که فیلسوف‌متکلمان، یعنی متکلمانی که رویکرد فلسفی داشته‌اند، همراهی بیشتری با هیئت بطلمیوسی در تطبیق‌دادن آموزه‌های اسلامی درباره عرش و کرسی با هیئت بطلمیوسی داشته‌اند، در حالی که متکلمان نص‌گرا و عقل‌گرای غیرفلسفی، در بحث عرش و کرسی اگرچه مخالفتی با هیئت بطلمیوسی اظهار نکرده‌اند، اما همراهی ملموسی با این هیئت از خود نشان نداده‌اند.

کلیدواژه‌ها: هیئت بطلمیوسی، متکلمان امامیه، عرش و کرسی، متکلم‌فیلسوفان، متکلمان عقل‌گرای غیرفلسفی.

۱. برگرفته از: رضا دارینی، چگونگی مواجهه متکلمان امامیه با هیئت بطلمیوس و آثار آن، رساله دکتری، استاد

راهنما: رسول رضوی، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران، ۱۳۹۹.

* دانش‌آموخته دکتری کلام امامیه، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران rezadarini878@gmail.com

** استاد تمام گروه کلام، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران (نویسنده مسئول) Razavi.R@qhu.ac.ir

*** استادیار گروه کلام، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران ranjbar.m@qhu.ac.ir

**** استادیار گروه قرآن و علم، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران dr.mostarhami@chmail.ir

مقدمه

هیئت بطلمیوسی اولین بار در اواخر قرن دوم هجری و با ترجمه کتاب مجسطی بطلمیوس، وارد محیط‌های علمی جوامع اسلامی شد (سزگین، ۱۳۷۱: ۹۶) و به دنبال آن علم نجوم و ستاره‌شناسی در تمدن مسلمانان ساختار جدیدی به خود گرفت (قطان مروزی، ۱۳۹۰: ۲۲۱)، چراکه هیئت بطلمیوسی بر پایه قواعد ریاضی و قضایای هندسی، به گونه‌ای طراحی شده بود که وقوع کسوف و خسوف، پیدایش هلال، تنظیم اوقات ماه، سال و ... را برای دوره‌های زمانی نه چندان طولانی به خوبی با واقع تطبیق می‌داد (زمانی قمشه‌ای، ۱۳۸۱: ۷۵) و می‌توانست نیاز مسلمانان در زمینه حلول ماه قمری، زمان نیایش و نمازهای روزانه، تعیین جهت قبله، جهت ساخت مسجد و قبرستان‌ها را مشخص کند، و آنها می‌توانستند نتیجه عملی صحیح از این هیئت اخذ کنند (هاسکین، ۱۳۹۲: ۴۷).

این پذیرش که در امور یادشده منتج و مثمر بود باعث شد به آهستگی و خواسته و ناخواسته، مفاد هیئت بطلمیوسی به عنوان اصول موضوعه در جهان‌شناسی تفسیری و کلامی بسیاری از مکاتب و دانشمندان مسلمان پذیرفته شود و سرآغازی بر مسئله‌ای باشد که بین کلام و فلسفه از یک طرف و هیئت از طرف دیگر، ایجاد می‌شد.

طبیعی است که متکلمان مسلمان، به خصوص متکلمان امامیه، باید دیدگاه خود را در برابر نظریه کیهان‌شناسی بطلمیوسی اعلام، و ارتباط آموزه‌های کلامی را با نظریه مذکور روشن می‌کردند؛ این اظهارنظر مباحث متعددی درباره جهان هستی، ساکنان جهان و قوانین حاکم بر آن را شامل می‌شد و مسائلی از قبیل هفت آسمان، عرش و کرسی را که در متون دینی بارها نام برده شده و مباحث خلقت، معاد، بهشت، جهنم، ملائکه، جن و معراج با آنها گره خورده بود در بر می‌گرفت. بررسی همه مباحث یادشده همراه با تبیین دقیق دیدگاه طرفین و داوری در میان نظریه‌های متفاوت مکاتب کلامی، نیازمند تحقیقات پُردامنه و وسیعی است که از عهده این مقاله بیرون است، اما نباید از دیده دور داشت که مسئله عرش و کرسی از جهت پیوندی که با مسئله آسمان‌های هفت‌گانه دارد، می‌تواند نمونه و مصداق روشنی برای نشان‌دادن چگونگی مواجهه متکلمان امامیه با هیئت بطلمیوسی باشد. از این رو بر اساس مطالعات کتاب‌خانه‌ای و با روش توصیفی تحلیلی در این پژوهش در صدد پاسخ‌دادن به پرسش درباره ارتباط عرش و کرسی (مطرح‌شده در متون اسلامی) با هیئت بطلمیوسی و چگونگی مواجهه متکلمان امامیه با این مسئله هستیم، به خصوص که در منابع موجود پیشینه خاصی برای این مسئله یافت نمی‌شود و بررسی‌های صورت‌گرفته ما را به برخی مطالعات و تحقیقات رساند که آنها را می‌توان در جرگه پیشینه عام این

تحقیق قرار داد. این نوع از تحقیقات به دو شکل کلی صورت گرفته است:

۱. تحقیقاتی که در قالب میان‌رشته‌ای به بحث از تعامل دو علم «هیئت و فلسفه» (نک.: دابه و انواری، ۱۳۸۴؛ دابه و انواری، ۱۳۸۶) و «فقه و هیئت» (نک.: مختاری، ۱۳۸۴؛ ضیایی، ۱۳۸۰) پرداخته‌اند. تفاوت مقاله حاضر با آثار یادشده در این نکته نهفته است که اولاً آثاری که به بحث «هیئت و فلسفه» پرداخته‌اند، هیئت فیزیکی را مد نظر داشته‌اند و آثاری که زمینه مطالعاتشان «فقه و هیئت» است به هیئت ریاضی توجه کرده‌اند، در حالی که پژوهش حاضر ناظر به هر دو، یعنی هیئت ریاضی و هیئت فیزیکی و به عبارتی کیهان‌شناسی بطلمیوسی است؛ ثانیاً این مقاله عهده‌دار بررسی دیدگاه متکلمان امامیه و آثار کلامی چنین دیدگاه‌هایی بوده و به تبع آن از پرداختن به مباحث فلسفی یا فقهی و آثار فلسفی و فقهی آنها معاف است.

۲. تحقیقات نظام‌مندی که عرش و کرسی را بررسی کرده‌اند (نک.: وطن‌دوست، ۱۳۹۷؛ بیات مختاری، ۱۳۸۵؛ بیات مختاری، ۱۳۹۰؛ درستی مطلق و دیگران، ۱۳۹۶؛ زاده بامری، ۱۳۹۶؛ خشتی، ۱۳۹۵). این تحقیقات درباره معانی لغوی و اصطلاحی «عرش» و «کرسی»، حقیقت آن، اعتباری یا حقیقی‌بودنش، ارتباط بین آن دو، حاملان عرش و نیز دیدگاه‌های علمای اسلامی درباره عرش و کرسی، پژوهش کرده‌اند و با مقاله حاضر تفاوت‌های بنیادین دارند، چراکه اولاً عرصه تحقیقاتی این مقاله میان‌رشته‌ای بوده و تعامل دو علم هیئت و کلام بستر اصلی بحث است. ثانیاً متکلمانی بررسی شده‌اند که با توجه به هیئت بطلمیوسی بحث را مطرح کرده‌اند و بر فرد خاص یا مکتب واحدی متمرکز نشده‌اند.

با توجه به مطالب یادشده، می‌توان ادعا کرد که چنین پژوهشی ضمن نشان‌دادن اهمیت مباحث کیهان‌شناسی در جهان‌شناسی اسلامی، می‌تواند سرآغازی برای تحقیقات جدیدی باشد که هدفشان بررسی تأثیرات کیهان‌شناسی جدید بر آموزه‌های کلامی و جهان‌شناسی اسلامی است.

۱. مفاد کیهان‌شناسی بطلمیوسی

در نگاه منظومه بطلمیوسی، همه عالم یک کره است (طوسی، بی‌تا الف: ۴) و زمین مرکز آن است (مروزی بخاری، بی‌تا: ۱۲). زمین خود کره‌ای است داخل این کره عظیم، متشکل از آب و خاک (طوسی، بی‌تا ب: ۲۸؛ حسینی مرعشی، بی‌تا: ۷۷) که سه چهارم آب است و یک چهارم خاک (حسینی مرعشی، بی‌تا: ۷۷). اطراف کره زمین کره هوا است که زمین را احاطه کرده است (طوسی، بی‌تا الف: ۵)، به گونه‌ای که سطح مقعر کره هوا به کره زمین محیط است (حسینی مرعشی، بی‌تا: ۷۷-۷۸).

بعد از کره هوا، کره آتش است (طوسی، بی تا الف: ۵) که سبک تر از هوا است (قطب‌الدین شیرازی، بی تا: ۱۰) و کره هوا را احاطه کرده است (شهرستانی، ۱۳۸۷: ۹۴). کره آتش سطح محدبش مماس با سطح مقعر فلک قمر است و سطح مقعر کره آتش مماس با سطح محدب کره هوا است (حسینی مرعشی، بی تا: ۷۷). به این منطقه از عالم که از زمین تا فلک قمر است، منطقه تحت القمر و عالم کون و فساد یا عالم سفلی می‌گویند (طوسی بی تا ب: ۲۸) و از فلک قمر تا بقیه جهان متناهی را منطقه فوق القمر (چالمرز، ۱۳۸۱: ۸۶) یا عالم علوی و عالم افلاک می‌نامند (طوسی، بی تا الف: ۵).

در باب تعداد افلاک منطقه فوق القمر اختلاف شده است. شاید به سبب همین اختلاف در تعداد افلاک است که برخی مؤلفان به جای عبارت «هیئت بطلمیوسی» از لفظ «هیئت قدیم» استفاده می‌کنند تا شامل نظریاتی شود که بعد از بطلمیوس آمده است (شهرستانی، ۱۳۸۷: ۹۶، ۱۰۹، ۲۰۵). بنابراین، در تعداد افلاک می‌توان گفت چون بطلمیوس بنیان‌گذار هیئت قدیم دانسته شده (بهشتی، ۱۳۸۲: ۱۶) و هیئت قدیم بر محور عقیده بطلمیوس دور میزند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۹۵) افلاک نُه‌گانه بطلمیوسی مشهور شده است (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۴۹؛ فیاض لاهیجی، ۱۳۸۳: ۸۳؛ الاهی قمش‌ای، ۱۳۶۳: ۱۸۸/۱؛ رضایی، ۱۳۸۱: ۱۲۷)، اگرچه برخی دیگر از محققان معتقدند بطلمیوس به هشت فلک کلی قائل است (ابوریحان بیرونی، ۱۴۰۳: ۱۶۳؛ نصر، ۱۳۵۹: ۱۵۹؛ نصر، ۱۳۴۲: ۳۱۵؛ نصر، ۱۳۴۵: ۳۸). مقاله حاضر نیز به نظر مشهور، یعنی افلاک نُه‌گانه، توجه کرده است.

به هر صورت، در منظومه مد نظر هیئت بطلمیوسی، ستارگان، سیارات، ماه و خورشید، همه کروی‌اند و از خود حرکتی ندارند، بلکه حرکتشان به تبع حرکت افلاک است و در حقیقت این افلاک هستند که حرکت می‌کنند و اجرام آسمانی به دلیل اتصالشان به این افلاک متحرک به نظر می‌رسند (ارسطو، ۱۳۷۹: ۱۰۲). در این منظومه هر یک از افلاک بر دیگری احاطه دارد و همانند لایه‌های پوست پیاز همدیگر را پوشانده و بر هم تکیه دارد (ابوریحان بیرونی، ۱۳۶۲: ۵۶). این منطقه از عالم، دارای ماهیت لاهوتی جاودانی است و امکان هیچ‌گونه تغییری در آن نیست (کرومبی، ۱۳۷۱: ۸۴/۱-۸۶) و خرق و التیام افلاک محال است (شعرانی، بی تا: ۲۰۴؛ کاشانی، بی تا: ۲۸۷).

۲. چگونگی بروز مشکل در تبیین آموزه عرش و کرسی

در آیات متعددی از قرآن به بحث آسمان‌ها و زمین اشاره شده و از میان آن همه آیات در پنج آیه صریحاً با عبارت «سَبَّعَ سَمَآوَاتٍ» (بقره: ۲۹؛ فصلت: ۱۲؛ ملک: ۳؛ نوح: ۱۵؛ طلاق: ۱۲) به هفت‌گانه بودن آسمان‌ها تصریح شده و در دو آیه دیگر با تعبیر «السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ» (اسراء: ۴۴؛

مؤمنون: ۸۶) بر این عدد تأکید شده و در یک آیه نیز در بیان تعداد زمین‌ها فرموده است: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ» (طلاق: ۱۲) و همانند آسمان‌ها به وجود هفت زمین اشاره کرده است. از سوی دیگر، اگرچه در برخی از روایات اسلامی عرش و کرسی را علم خداوند نامیده‌اند (ابن بابویه، ۱۴۱۴: ۴۴ و ۴۵؛ همو، ۱۳۷۱: ۴۷ و ۴۸) اما از ظاهر بخشی از روایات اسلامی، این دو مخلوق الاهی و جزئی از کائنات و بالای هفت آسمان و هفت زمین معرفی شده‌اند. مثلاً در روایتی ابوذر از پیامبر ﷺ می‌پرسد: «کدام یک از آیه‌هایی که خداوند بر شما نازل فرموده بزرگ‌تر است؟». پیغمبر فرمودند: «آیه الکرسی». آنگاه فرمودند: «ای آبادر، هفت آسمان در برابر کرسی، مانند حلقه‌ای است که در بیابانی افتاده باشد و گستره عرش نسبت به کرسی مانند وسعت و برتری آن بیابان است بر آن حلقه» (همو، ۱۴۰۳: ۳۳۳؛ همو، ۱۳۷۷: ۲۸۴/۲). همچنین، در روایتی دیگر زراره می‌گوید: «از حضرت صادق (علیه السلام) درباره قول خدای عز و جل، یعنی «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» (بقره: ۲۵۵) پرسیدم که آیا آسمان‌ها و زمین، کرسی را در بر دارند یا کرسی آسمان‌ها و زمین را در بر دارد؛ فرمود: همه چیز در کرسی جا دارد» (کلینی، ۱۳۶۲: ۱۳۲/۱؛ همو، بی‌تا: ۱۷۹/۱).

بنابراین، از نگاه متون اسلامی، در جهان هستی، هفت آسمان وجود دارد^۱ که در درون کرسی و عرش قرار گرفته‌اند و شناخت عرش و کرسی به شناخت همین هفت آسمان بستگی دارد، حال آنکه هیئت بطلمیوسی تعداد افلاک را نه عدد می‌دانست و تفسیری خاص از آسمان و زمین مطرح می‌کرد. همین باعث شد مسئله‌ای جدی در میان دو کیهان‌شناسی اسلامی و بطلمیوسی پیدا شود و دو جریان فلسفی و غیرفلسفی کلام امامیه برای مدیریت این مسئله، هر کدام راهکاری خاص در پیش گیرند.

۳. بازتاب هیئت بطلمیوسی در آثار جریان کلامی غیرفلسفی

جریان کلامی غیرفلسفی، گرایش‌های متعددی دارد و به دو رویکرد کلی تقسیم می‌شود:

۳.۱. رویکرد متکلم‌محدثان

قبل از توضیح این رویکرد، ذکر دو نکته ضروری است: اولاً این بحث ناظر به محدثان غیرمتکلم نیست؛ ثانیاً بین دو اصطلاح، «متکلمان محدث» یا «محدثان متکلم»، با توجه به اینکه هر دو عنوان در محدث‌بودن و نیز پرداختن به مناظرات و مباحث اعتقادی برون‌فرقه‌ای مشترک‌اند، لذا صرف نظر از غلبه

محدث بودن یا متکلم بودن، عنوان این مبحث ناظر به هر دوی این اصطلاحات خواهد بود.

این گروه، یعنی متکلم محدثان، بر بهره‌گیری از متون متأثر دینی تأکید کرده‌اند و از ادبیات مستقل عقلی در تبیین اندیشه‌های کلامی و دفاع از آن بهره می‌گیرند (سبحانی، ۱۳۹۱: ۱۲-۲۰).

کلینی (متوفای ۳۲۹ ه.ق.)، صدوق (متوفای ۳۸۱ ه.ق.)، ابن طاووس (متوفای ۶۶۴ ه.ق.) و محمدباقر مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ ه.ق.) را می‌توان مصداق و نماد بارز این گروه معرفی کرد (همان: ۱۱۹).

قدمای این رویکرد مانند هشام بن حکم (متوفای ۱۷۹ ه.ق.) و فضل بن شاذان (متوفای ۲۰۶ ه.ق.)، بین عرش و کرسی و هیئت بظلمیوسی، هیچ‌گونه تطبیقی مطرح نکردند. باید توجه داشت اگر در برخی منابع آمده است که هشام بن حکم معتقد است «ان ربّه فی مکان دون مکان وان مکانه هو العرش و انه مماس للعرش و ان العرش قد حواه و حده»^۲ (اشعری، ۱۴۰۰: ۲۱۰) یا فضل بن شاذان معتقد است «و ان الله عز و جل، فی السماء السابعة فوق العرش»^۳ (کشی، ۱۴۰۴: ۸۱۹/۲) این نسبت‌ها همگی ناروا دانسته شده و در تحقیقات متعددی رفع شده است و در نتیجه این پژوهش‌ها از تحقیق بیشتر از این بابت معاف می‌کند.^۴ همچنین، باید توجه داشت که اساس این اشکالات از آنجا ناشی می‌شود که به هشام بن حکم و نیز به فضل بن شاذان به تبعیت از هشام^۵ (همان: ۸۱۸/۲) منسوب است که ایشان معتقدند خدا جسم است (اشعری، ۱۴۰۰: ۲۰۷؛ کشی، ۱۴۰۴: ۸۱۹/۲) حال آنکه نکته بسیار مهمی که در تحقیقات صورت گرفته در دفاع از هشام نیامده،^۶ نکته‌ای است که مؤلف مقالات الاسلامیین مطرح می‌کند که منظور هشام بن حکم از «جسم»، موجود است (اشعری، ۱۴۰۰: ۳۰۴)؛^۷ لذا خدا جسم است، یعنی موجود است. به نظر می‌رسد از همین رو است که هشام بن حکم یا فضل بن شاذان تصریح دارند که خدا جسم (موجود) است نه مانند اجسام دیگر (همان: ۳۳ و ۲۰۸) و حتی فضل بن شاذان در ادامه تأکید می‌کند که «لَیسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ» (الشوری: ۱۱؛ کشی، ۱۴۰۴: ۸۱۹/۲). اساساً باید توجه داشت که در عصر ائمه (علیهم‌السلام) شبهه مطرح درباره عرش و کرسی، بحث جسمانی بودن باری تعالی بود. از همین رو است که امام صادق (علیه‌السلام) در پاسخ به پرسش از آیه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه: ۵) می‌فرماید: «عرش حامل و حاوی خدا نیست ... و خداوند نیازمند مکان نیست ... بلکه خلق محتاج اویند» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۲۵۹/۱).

لذا واضح است که اصحاب ائمه (علیهم‌السلام) مثل هشام بن حکم هیچ‌گاه عرش را به گونه‌ای معنا نمی‌کنند که منجر به جسمانی بودن خدا شود.

در ادامه، متکلمانی مانند کلینی (متوفای ۳۲۹ ه.ق.) و صدوق (متوفای ۳۸۱ ه.ق.) اگرچه درباره عرش و کرسی احادیث متعددی نقل کرده‌اند (کلینی، ۱۳۶۲: ۱۲۹/۱؛ ابن بابویه، ۱۴۱۴: ۴۴ و ۴۵) اما

هرگز در صدد تطبیق و ایجاد موافقت بین عرش و کرسی مطرح شده در متون اسلامی و افلاک نه‌گانه بطلمیوسی برنیامده‌اند؛ حتی سید بن طاووس، در فرج المهموم که کتابی با موضوع نجوم محسوب می‌شود، به تطبیق عرش و کرسی با هیئت بطلمیوسی اقدام نکرده است. اما در این میان محمدباقر مجلسی استثنا است، چراکه وی از جمله کسانی است که به تفصیل وارد این مسئله شده و تلاش مضاعفی در تطبیق هیئت بطلمیوسی بر جهان‌شناسی اسلامی و جای دادن عرش و کرسی در میان افلاک نه‌گانه مد نظر بطلمیوس انجام داده است. وی در این زمینه می‌نویسد: «فلک‌های نه‌گانه که منجمان اثبات کرده‌اند، منافاتی با آسمان‌های هفت‌گانه ندارد، چون فلک هشتم و نهم در لسان شرع، کرسی و عرش نامیده می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۵/۵۴؛ همو، ۱۳۵۱: ۶/۱). طبق این بیان، هفت آسمان در قرآن با هفت فلک اول بطلمیوس تطابق دارد، و از فلک‌های هشتم و نهم در قرآن به «کرسی» و «عرش» تعبیر شده است. با این حال، معمولاً در کتاب‌ها و مقالاتی که به بحث هفت آسمان می‌پردازند، درباره نظر مجلسی در باب هفت آسمان به همین مطلب اشاره دارند (رضایی، ۱۳۸۱: ۱۲۷ و ۱۲۸؛ مسترحمی، ۱۳۸۷: ۹۳؛ رضوی و دارینی، ۱۳۹۶: ۱۳۲). این سخن مجلسی البته در جای خود درست است؛ اما حقیقت این است که در باب هفت آسمان این نظر نهایی وی نیست، و مجلسی نظر دیگری ولو با تواضع یا احتیاط دارد که شاید ناشی از مقبولیت هیئت بطلمیوسی در روزگار وی باشد. مجلسی ذیل آیه «وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ» (الملک: ۵)، بعد از نقل برخی دیدگاه‌ها، نظر خودش را این‌گونه بیان می‌کند:

آنچه به نظر قاصر رسیده، این است که هشت فلکی که برای همه کواکب اثبات کردند یک فلک محسوب شوند به نام سماء دنیا و شش آسمان بی‌ستاره دیگر هم باشد که بشود هفت آسمان، ... و این با اصول آنها [منجمین] منافات ندارد، گرچه خلاف اصطلاح آنها است، و آن هم باکی ندارد (مجلسی، ۱۴۰۴: ۷۸/۵۵؛ همو، ۱۳۵۱: ۷۴/۲).

به تعبیر دیگر، مجلسی پیشنهاد می‌دهد که از نه فلک هیئت بطلمیوسی، هشت فلک اول که کواکب است مربوط به آسمان دنیا است تا با آیه قرآن «وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ» (الملک: ۵) سازگار باشد و فلک نهم که ستاره و سیاره‌ای ندارد آسمان دوم است و پنج آسمان دیگر بعد از آن وجود دارد، که جمعاً هفت آسمان می‌شود. این پیشنهاد اگرچه مخالف اصول هیئت در وجود افلاک نه‌گانه نیست و مزاحمتی برای وجود آنها ایجاد نمی‌کند اما مخالف اصطلاح هیئت بطلمیوسی در توقف در فلک نهم است، چراکه فلک نهم طبق بیان مجلسی، آسمان دوم است.

۳.۲. رویکرد متکلمان متأثر از فضای اعتزال

رویکرد دوم که بیشتر شامل «متکلمان متأثر از کلام معتزلی» و «متکلم فقیه» های (رضوی، ۱۳۹۶: ۲۵۷ و ۲۰۵) حاضر در مدرسه کلامی بغداد و برخی دنباله‌روان این مدرسه در قرون بعدی می‌شود. از بزرگان این رویکرد می‌توان به نوبختیان (از اواسط قرن دوم تا اوایل قرن پنجم ه.ق.)، شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ ه.ق.)، سید مرتضی (متوفای ۴۳۶ ه.ق.)، طوسی (متوفای ۴۶۰ ه.ق.) و حمّصی رازی (متوفای اوایل قرن هفتم ه.ق.) اشاره کرد.

حسن بن موسی نوبختی، متکلمی بزرگ و منجمی نام‌آور بود و کتاب الرد علی بطلمیوس را در بیان هیئت آسمان و زمین نگاشت (آقابزرگ طهرانی، بی‌تا: ۲۳۸/۱۱؛ نعمه، ۱۳۶۷: ۲۶۳). نشانه‌ای از علاقه وی به تطبیق این هیئت با هفت آسمان و عرش و کرسی مطرح در متون اسلامی پیدا نشد و حتی در کتاب دیگری که در دلایل طبیعی مستخرج از کتاب‌های ارسطو است در رد بر کسانی که فلک را زنده و ناطق پنداشته‌اند قلم‌فرسایی کرده است (نعمه، ۱۳۶۷: ۲۶۴).

شیخ مفید عرش را به معنای ملک خداوند و همچنین مخلوقی خاص در آسمان هفتم معرفی کرده که ملائکه آن را حمل می‌کنند و از بیان رابطه آن با هفت آسمان و مباحث جهان‌شناسی پرهیز کرده است (مفید، ۱۴۱۳: ۷۶-۷۸)، در حالی که شاگرد وی، شیخ طوسی، در یکی بودن افلاک و آسمان‌ها ایرادی ملاحظه نکرده و در رد رمانی معتزلی که می‌گفت «آسمان‌ها غیر از افلاک هستند، زیرا افلاک متحرک و در گردش‌اند، اما آسمان‌ها این‌گونه نیستند» می‌نویسد: «این صحیح نیست، چراکه ممتنع نیست که آسمان‌ها همان افلاک باشند اگرچه متحرک هم باشند» (طوسی، بی‌تا: ۱۲۵/۱).

به هر صورت، چون در عصر حوزة بغداد پرسش از کیهان‌شناسی اسلامی و رابطه آن با جهان‌شناسی اسلامی هنوز به صورت جدی مطرح نشده بود و متکلمان با شبهات این عرصه مواجه نشده بودند این مسئله در نگاشته‌های متکلمان متأثر از فضای اعتزالی بغداد نمود چندانی پیدا نکرده است.

۴. بازتاب هیئت بطلمیوسی در آثار جریان کلام فلسفی

جریان کلام فلسفی با عنوان «جریان کلام عقل‌گرای فلسفی» نیز شناخته می‌شود (سبحانی، ۱۳۹۱: ۱۱۱). نصیرالدین طوسی (متوفای ۶۷۲ ه.ق.)، از پیشروان این رویکرد، تطبیق عرش و کرسی با فلک هشتم و نهم را ذیل توضیحاتی مطرح می‌کند که درباره اعتقادات مذهب اسماعیلیه داده است (طوسی، ۱۴۱۳: ۸۵ و ۸۶) و اگر استرآبادی، شارح تجرید الاعتقاد طوسی، از تطبیق عرش با فلک نهم

سخن می‌گوید (استرآبادی، ۱۳۸۲: ۱۸۰/۱) این مطلب را به موسوعه اصطلاحات کشف از تهانوی مستند می‌کند (تهانوی، ۱۹۹۶: ۱۲۸۹/۲)، به‌ویژه اگر کتاب روضة التسليم را مستند به نصیرالدین طوسی بدانیم و نیز اینکه آن را بر مبنای مذهب اسماعیلیه خطاب به بدرالدین حسین نوشته باشد، وجه استناد ارتباط عرش و کرسی با هیئت بطلمیوسی روشن‌تر هم می‌شود.^۸

ابن میثم، دیگر بزرگ رویکرد کلام فلسفی، در تطبیق جهان‌شناسی اسلامی بر نُه فلک بطلمیوس لحظه‌ای تردید نمی‌کند و می‌نویسد: «فسوی عنه سبع سماوات، اشاره به این است که افلاک در وضع تعدیل و ترکیب کامل‌اند. اینکه امام (علیه السلام) شماره آسمان‌ها را به هفت عدد محدود کرده برای این است که دو فلک باقی‌مانده در شریعت به اسم دیگری (عرش و کرسی) معروف‌اند» (بحرانی، ۱۴۱۷: ۳۱۱/۱).

بعد از این دو دانشمند، دیگر متکلمان این جریان، به‌خصوص متکلمان حوزه اصفهان، نیز بحث تطبیق عرش و کرسی و افلاک نُه‌گانه هیئت بطلمیوسی را از نظر دور نداشتند. میرداماد (متوفای ۱۰۴۱ ه.ق.) فلک ثوابت را به استناد اصطلاح مشهور منتسب به کرسی می‌داند (میرداماد، ۱۳۸۰: ۲۸) و در توصیف آن هم به آموزه‌های علم هیئت اشاره می‌کند (که بر اساس آن کواکب ثابت‌ه درون آن می‌خکوب شده‌اند و در عرف علمای هیئت به «سماء رؤیت» معروف است) (همان: ۳۱)، و هم از جهت فلسفی در توصیف آن می‌گوید: «و آن اقلیم تضاعف و تعاکس اشراقات انوار حسیه و انوار عقلیه است» (همان) و درباره عرش می‌نویسد: «عرش را گاه بر «عقل اول»، و گاه بر «نفس اولی» و گاه بر «بدن فلک الافلاک» اطلاق کنند؛ و باشد که عقل نخستین را «عرش اعظم» خوانند، و جرم فلک اقصی را «عرش عالم اجسام»» (همان: ۱۱). به تعبیر دیگر، او عرش را به دو گونه عقلانی و جسمانی تقسیم می‌کند؛ عرش عقلانی و مجرد که عبارت است از جوهر قدسی که عقل اول باشد، و عرش جسمانی که عبارت است از جرم فلک اقصی (میرداماد، ۱۴۰۳: ۳۱۶).

بنابراین، وی نیز در تلاش بین تطبیق هیئت بطلمیوسی با عرش، طبق مبانی فلسفی خویش حداقل یک قسم از اقسام عرش را با فلک آخر (اطلس) تطبیق می‌دهد. صدرالدین شیرازی (متوفای ۱۰۵۰ ه.ق.) نیز دو گونه عرش را تصویر می‌کند. از این‌رو در جایی، عرش را بزرگ‌ترین اجرام و همان فلک الافلاک معرفی کرده (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۶: ۳۲۶/۳) و در جای دیگر امری عقلی و نور علم می‌شمرد (همان: ۳۳۶/۳).

گرچه قاضی سعید قمی (متوفای ۱۱۰۷ ه.ق.) در تقسیمات جریان‌های کلامی اصفهان در جرگه شاگردان رجبعلی تبریزی و از افراد جریان مقابل حکمت متعالیه به شمار می‌آید، اما به یک واسطه

شاگرد ملاصدرا بوده و از محضر درس فیض کاشانی (داماد ملاصدرا) بهره‌های فراوان گرفته است. لذا می‌توان دیدگاه او را ذیل کلام فلسفی توضیح داد (سبحانی، ۱۳۹۱: ۱۲۵؛ ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۲: ۱۱). او برخلاف مشهور حکما به یازده فلک معتقد است، یعنی نه فلک هیئت بطلمیوسی به اضافه کرسی و عرش (درستی مطلق و دیگران، ۱۳۹۶: ۸۲). او این مطلب را به اکثر محققان از عرفا نسبت می‌دهد و سپس در صدد تفصیل و توضیح آن برمی‌آید (قاضی سعید قمی، ۱۴۱۵: ۳۴۲/۲). حتی می‌توان قدم فراتر نهاد و گفت، چنان‌که از عبارات قاضی سعید پیدا است، بین عرش و کرسی دو فلک دیگر نیز قرار دارد (همان: ۳۴۳/۲-۳۴۴). بنابراین، می‌توان گفت او به سیزده فلک قائل بوده است. مگر اینکه در هر دو فرضیه یازده و سیزده فلک گفته شود چون قاضی سعید منظور خود از عرش و دو فلک بین عرش و کرسی را سه حجاب معرفی می‌کند که بین اهل بهشت و بین حق وجود دارد (همان: ۳۴۳/۲)، بنابراین تعبیر فلک (عرش) و حجاب را در یک معنا استعمال کرده است. یعنی عرش و کرسی را فقط در لفظ به فلک معنا کرده است، چون تصور وی از عرش و کرسی، کره‌ای بودن آنها است که البته همین مطلب نیز دلیلی است بر تأثیر هیئت بطلمیوسی، به‌ویژه هیئت فیزیکی یا کیهان‌شناسی فلسفی این هیئت بر قاضی سعید. به هر صورت، نقل‌هایی که قاضی سعید مطرح کرده است نشان می‌دهد که وی نیز مانند بحرانی، نه فلک هیئت بطلمیوس را پذیرفته، اما برخلاف بحرانی عرش و کرسی را فراتر از افلاک نه‌گانه می‌داند، اگرچه به جهت هم‌شکل بودن با افلاک، یعنی کره‌ای بودن، از عرش و کرسی به فلک تعبیر می‌کند.

اما علت اینکه قاضی سعید، عرش و کرسی را ورای افلاک نه‌گانه معرفی می‌کند این است که وی در صدد است مکان بهشت و جهنم را به گونه‌ای تصویر کند که بهشت و جهنم در بین افلاک نه‌گانه نباشد، زیرا با نابودی افلاک نه‌گانه هیئت بطلمیوسی در آستانه قیامت، این اشکال وارد خواهد شد که بهشت و جهنم نیز نابود می‌شود. در نتیجه باید به مخلوق نبودن بهشت و جهنم تا فرارسیدن قیامت معتقد شد و حال آنکه علمای امامیه اتفاق دارند که بهشت آفریده شده است (نک: رضوی و سلیمانی بهبهانی، ۱۳۹۸: ۳۳۴-۳۳۵).

بنابراین، می‌توان گفت وی برای رهایی از این اشکالات، با تغییر و تأویل مباحث هیئت بطلمیوسی، افلاک دیگری که فقط از جهت نام مشترک‌اند (یعنی عرش و کرسی و دو فلک بین آن دو) ورای افلاک نه‌گانه هیئت بطلمیوسی ترسیم می‌کند و می‌گوید عرش سقف بهشت است و مُحدَّبِ کرسی، زمین بهشت و مُقعرِ کرسی تا اسفل‌السافلین به غیر از آنچه در شرع استثنا شده، جهنم است (قاضی سعید قمی، ۱۴۱۵: ۳۴۲/۲). با این بیان دیگر، ایرادات مذکور وارد نمی‌شود.

آنچه از دیدگاه قاضی سعید گذشت، مبنی بر این بود که قاضی سعید تعبیر «فلک/عرش» و

«حجاب» را به یک معنا استعمال کرده باشد، اما اگر بیان قاضی سعید این‌گونه تقریر شود که تعبیر فلک و حجاب از دو جهت مد نظر وی بوده است (عالم دنیا و عالم آخرت)، بدین نحو که مقصودش از تعبیرکردن عرش به حجاب، در عالم آخرت است، یعنی زمانی که مؤمنان در صحرای محشر یا در بهشت در انتظار دیدن خداوند متعال هستند؛ عبارت «إذا جمعوا للرؤية» می‌تواند مؤید این مطلب باشد (همان: ۳۴۳/۲). لذا قاضی سعید عرش و دو فلک بین عرش و کرسی را در این زمان (عالم آخرت و زمان رؤیت) حجاب بین خدا و مؤمنان معرفی می‌کند. اگر این معنا را بپذیریم، باید گفت وی برای عالم دنیا در اصل به سیزده فلک قائل بوده که عبارت است از نه فلک هیئت بطلمیوسی که فناپذیرند؛ به اضافه عرش و کرسی و دو فلک دیگر بین عرش و کرسی، که فناپذیرند؛ ولی در عالم آخرت به چهار فلک، یعنی عرش و کرسی و دو فلک بین آنها، که سه فلک بعد از کرسی، در قیامت، حجایی بین مؤمنان و خداوند است و محدب کرسی، زمین بهشت، و مقعر آن، سقف جهنم است (همان: ۳۴۲/۲).

هر دو تقریری که گذشت، مؤیدی است بر سعی متکلمان امامیه در پذیرش تعداد افلاک هیئت بطلمیوسی و تلاش برای ارتباط آن با آموزه‌های کلامی. اما قطعاً اگرچه قاضی سعید نه فلک هیئت بطلمیوسی را پذیرفته بود اما حداقل عرش و کرسی را با آنها تطبیق نمی‌دهد.

شاید بشود ادعا کرد بعد از پایان دوره حوزه اصفهان و در عصر قاجار، ملاهادی سبزواری (متوفای ۱۲۸۸ ه.ق.) و ملا اسماعیل اسفراینی (متوفای ۱۲۸۸ ه.ق.) بیشترین اهتمام بر جای دادن عرش و کرسی در میان افلاک نه‌گانه را داشته‌اند. مثلاً ملاهادی سبزواری هفت آسمان مطرح در قرآن را به همراه عرش و کرسی، همان نه فلک هیئت بطلمیوسی معرفی می‌کند و می‌نویسد: «به خاطر جمع بین عقل و شرع، منافاتی در تطبیق افلاک نه‌گانه بطلمیوسی با هفت آسمان قرآنی و عرش و کرسی نیست» (سبزواری، ۱۳۶۹-۱۳۷۹: ۴/۳۸۵-۳۹۰). ملا اسماعیل اسفراینی، مؤلف انوار العرفان نیز تطبیق یادشده را پذیرفته، فقط برخلاف ملاهادی سبزواری که فلک اول را فلک اطلس (عرش) و فلک دوم را ثوابت (کرسی) معرفی می‌کند (همان) او فلک هشتم را کرسی و فلک نهم را اطلس (عرش) می‌داند (اسفراینی، ۱۳۸۳: ۲۰۳-۲۰۴). علت تفاوت ترتیب مذکور بین افلاک، چنان‌که فیاض لاهیجی (متوفای ۱۰۷۲ ه.ق.) می‌گوید این است که به حسب ترتیب طبیعی، فلک اول فلک اعظم (اطلس) است و به حسب قُرب و نزدیکی به ما فلک نهم، فلک اطلس است، و در نتیجه فلک اول، فلک قمر محسوب می‌شود (فیاض لاهیجی، ۱۳۸۳: ۸۳ و ۹۰). بنابراین، منافاتی در تطبیق ملاهادی سبزواری با ملا اسماعیل اسفراینی نیست.

نتیجه

هیئت بطلمیوسی در نگاه متکلم امامیه آمیزه‌ای از هیئت ریاضی و فیزیکی است و چون فیزیک زمان بطلمیوس متأثر از دیدگاه‌های فلاسفه، به‌ویژه ارسطو، است، طبعاً رویکرد فلسفی یا غیرفلسفی متکلم در همراهی کردن یا نکردن با هیئت بطلمیوسی تأثیرگذار بود. از این رو می‌توان ادعا کرد که متکلمان فلسفی، بیش از متکلمان غیرفلسفی، در صدد ایجاد ارتباط بین هیئت بطلمیوسی با آسمان‌های هفت‌گانه و عرش و کرسی بوده‌اند. ضمن اینکه کیهان‌شناسی فلسفی هیئت بطلمیوسی با روحیه فلسفی این گروه از متکلمان امامیه سازگارتر بود. در حالی که متکلمان غیرفلسفی کمتر به بحث تطبیق عرش و کرسی با هیئت بطلمیوسی توجه نشان داده‌اند، اگرچه مخالفت صریحی با آن نداشته‌اند و محمدباقر مجلسی منافاتی در تطبیق آنها نمی‌دید و چون بحث تطبیق عرش و کرسی و آسمان‌های هفت‌گانه با افلاک نه‌گانه هیئت بطلمیوسی، شبهه و ایرادی را به مباحث اعتقادی وارد نمی‌کرد، متکلمان یادشده، نیازی به ورود در این بحث احساس نمی‌کردند و نهایتاً چون به ظاهر مبانی دینی لطمه‌ای نمی‌زد، در تطبیق هم منافاتی نمی‌دیدند، چنان‌که مجلسی درباره عنوان عرش و فلک نهم منافاتی در تطبیق ندانست، اگرچه نظریه دیگری نیز، ولو با احتمال، مطرح کرد که با آموزه‌های هیئت بطلمیوسی متفاوت بود.

به هر صورت، باطل بودن هیئت بطلمیوسی با توجه به کیهان‌شناسی امروزی مسلم است و اگرچه با توجه به باطل بودن هیئت بطلمیوسی فهم‌ها، تفسیرها و برداشت‌های متکلمان بر اساس محوریت این هیئت هم دچار خدشه می‌شود، اما این حقیقت را که کیهان‌شناسی در مباحث جهان‌شناسی تأثیرگذار است روشن می‌کند و ضرورت شناخت کیهان‌شناسی جدید را برای متکلمان امامیه آشکار می‌سازد. جا دارد از این مسئله این نتیجه گرفته شود که تصلب بر دیدگاه‌های غیرجامع^۹ صورت نگیرد و بر اساس آن نظریه کلامی چیده نشود. به بیان دیگر، دیدگاه‌های کلامی اگر قرار است بر اصول موضوعه‌ای مثل هیئت بطلمیوسی استوار شود، خود آن اصول باید به بدیهی یا برهان قطعی ختم شود.

در پایان، این نکته در خور ذکر است که گرچه جهان‌شناسی حاصل از هیئت بطلمیوسی، آگاهی‌هایی در اختیار انسان قرار می‌داد، ولی به دلیل محدودیت تجربه و استقرا و خطا در قواعد فلسفی، توان به دست دادن شناخت عام و شامل را نداشت و ما را به این مطلب رساند که کیهان‌شناسی کامل و تمام آن است که از تعاطی و تعامل عقل، وحی و تجربه صحیح به دست آمده باشد و اکتفا به یک عنصر و دوری از عناصر دیگر نتیجه‌ای جز جهل نخواهد داشت.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای مطالعه تفصیلی در باب زمینه‌های تاریخی هفت آسمان و مسائل مربوط به آن، نک.: رضایی، ۱۳۸۱: بخش هفت آسمان و زمین؛ مسترحمی، ۱۳۸۸: ۸۳-۱۱۶؛ مسترحمی، ۱۳۸۹: ۹۳-۱۳۰.
۲. مکان پروردگار عرش او است و ماس بر عرش است و عرش او را محدود کرده است.
۳. خداوند بالای عرش است.
۴. در این زمینه نک.: ترابی قمش‌های، ۱۳۷۴: ۵۶-۶۶؛ گرامی، ۱۳۹۱: ۱۳۵-۱۶۶؛ شهری مهرآباد، ۱۳۹۴: ۳۴۹-۳۷۸.
۵. چراکه فضل خود را در سلسله‌شاگردان هشام بن حکم معرفی می‌کند.
۶. البته تا جایی که جست‌وجو کرده‌ایم.
۷. اصلی این نکته را از رضا برنجکار در کلاس درس اخذ کردم.
۸. درباره استناد روضة التسليم به نصیرالدین طوسی و اینکه بر مبنای مذهب اسماعیلیه نوشته شده است، نک.: معزی، ۱۳۹۳: ۱۶۷-۱۸۶؛ حسینی بدخشانی، ۱۳۸۳: ۳۷۱-۳۷۵.
۹. یعنی دیدگاه‌هایی که در یک سری از مسائل نتیجه صحیح می‌دهد اما در دیگر مسائل نتیجه نادرست به بار می‌آورد.

منابع

قرآن کریم.

- آقا بزرگ طهرانی، محمد محسن (بی‌تا). الذریعة إلى تصانیف الشيعة، قم: اسماعیلیان.
- ابراهیمی دینانی، غلام‌حسین (۱۳۸۲). «قاضی سعید قمی (۱۱۰۷ ق) یکی از حکمای حوزه فلسفی اصفهان»، در: خردنامه صدرا، ش ۳۲، ص ۱۰-۱۲.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۱). ترجمه الاعتقادات، ترجمه: محمدعلی حسینی، تهران: بی‌نا.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۷). ترجمه معانی الأخبار، ترجمه: عبدالعلی محمدی شاهرودی، تهران: چاپ دوم.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳). معانی الأخبار، قم: بی‌نا.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴). الاعتقادات، قم: المؤتمر العالمي للشيخ المفيد، الطبعة الثانية.
- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد (۱۳۶۲). التفهیم لاوائل صناعة التنجیم، تهران: بابک.
- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد (۱۴۰۳). تحقیق ما للهند، بیروت: عالم الکتب، الطبعة الثانية.
- ارسطو (۱۳۷۹). در آسمان، ترجمه: اسماعیل سعادت، ایران: هرمس.
- استرآبادی، محمد جعفر بن سیف‌الدین (۱۳۸۲). البراهین القاطعة فی شرح تجرید العقائد الساطعة، قم: بوستان کتاب.
- اسفراینی، ملا اسماعیل (۱۳۸۳). أنوار العرفان، قم: بی‌نا.
- اشعری، ابو الحسن (۱۴۰۰). مقالات الاسلامیین واختلاف المصلین، آلمان-ویسبادن، چاپ سوم.

- الاهی قمشه‌ای، مهدی (۱۳۶۳). حکمت الاهی عام و خاص، تهران: بی‌نا.
- بحرانی، کمال‌الدین میثم (۱۴۱۷). ترجمه شرح نهج البلاغه، ترجمه: محمدی مقدم و نوایی، مشهد: بی‌نا.
- بهشتی، احمد (۱۳۸۲). غایت و مبادی: شرح نمط ششم از الاشارات والتنبیها، قم: بوستان کتاب.
- بیات مختاری، ماشاء‌الله (۱۳۸۵). «عرش الاهی، واگرایی و همگرایی آن با کرسی»، در: الاهیات و حقوق اسلامی، ش ۳، ص ۴۵-۷۸.
- بیات مختاری، مهدی (۱۳۹۰). «عرش خدا و تفاوت آن با کرسی»، در: تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ش ۱۶، ص ۵۳-۸۴.
- ترابی قمشه‌ای، اکبر (۱۳۷۴). «هشام بن حکم و اتهامات (۲)»، در: کلام اسلامی، ش ۱۶، ص ۵۶-۶۶.
- تهانوی، محمد علی (۱۹۹۶). موسوعة کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- چالمرز، آلن اف. (۱۳۸۱). چیستی علم، ترجمه: سعید زیباکلام، بی‌جا: سمت.
- حسینی بدخشانی، سید جلال (۱۳۸۳). «روضه تسلیم یا تصورات»، در: بخارا، ش ۳۹-۴۰، ص ۳۷۱-۳۷۵.
- حسینی مرعشی، فتح‌الله بن محمدرضا (بی‌تا). تسویه‌التعلیم فی معرفة التقویم، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، شماره بازیابی: ۱۶۰۹۰-۵.
- خشتی، زهره (۱۳۹۵). بررسی آرا و اندیشه‌های جهان‌شناختی آیت‌الله مصباح یزدی پیرامون عرش، کرسی، ملانکه، جن و شیطان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد کلام امامیه، دانشگاه قرآن و حدیث.
- دادبه، اصغر؛ انواری، سعید (۱۳۸۴). «ابن‌سینا و فلک محدد الجهات»، در: مقالات و بررسی‌ها، ش ۷۷، دفتر دوم، ص ۱۰۱-۱۲۲.
- دادبه، اصغر؛ انواری، سعید (۱۳۸۶). «نظریه افلاک و تأثیر آن بر فلسفه اسلامی»، در: حکمت سینوی، ش ۳۸، ص ۴۷-۸۷.
- درستی مطلق، مرجان؛ ملایری، موسی؛ پارچه‌باف‌دولتی، محمد (۱۳۹۶). «تبیین و نقد دیدگاه کلامی، حکمی و عرفانی قاضی سعید قمی درباره جایگاه عرش و کرسی در نظام هستی»، در: کلام اسلامی، ش ۱۰۱، ص ۸۱-۱۰۰.
- رضایی، محمدعلی (۱۳۸۱). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، رشت: بی‌نا، چاپ اول.
- رضوی، رسول (۱۳۹۶). تاریخ کلام امامیه: حوزه‌ها و جریان‌های کلامی، قم: دارالحدیث.
- رضوی، رسول؛ دارینی، رضا (۱۳۹۶). «واکنش متکلمان در برابر چالش‌های برخاسته از هیئت بطلمیوسی»، در: کلام اسلامی، ش ۱۰۳، ص ۱۲۹-۱۴۵.
- رضوی، رسول؛ سلیمانی بهبهانی، عبدالرحیم (۱۳۹۸). معارف و عقاید ۶، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، چاپ دوم.
- زاده بامری، مرتضی (۱۳۹۶). «عرش و کرسی از منظر علامه طباطبایی»، در: انوار معرفت، ش ۱۳، ص ۶۵-۷۸.
- زمانی قمشه‌ای، علی (۱۳۸۱). هیئت و نجوم اسلامی، قم: مؤسسه فرهنگی سماء.

- سبحانی، محمدتقی (۱۳۹۱). «کلام امامیه: ریشه‌ها و رویش‌ها»، در: نقد و نظر، ش ۱، ص ۱۲-۲۰.
- سبحانی، محمدتقی؛ رضایی، محمدجعفر (۱۳۹۱). «مدرسه کلامی اصفهان»، در: تاریخ فلسفه، ش ۱۱، ص ۱۱۱-۱۳۸.
- سبزواری، ملاحادی (۱۳۶۹-۱۳۷۹). شرح المنظومه، شارح: حسن‌زاده آملی، تحقیق: طالبی، تهران: ناب.
- سزگین، فواد (۱۳۷۱). گفتارهایی پیرامون تاریخ علوم عربی و اسلامی، ترجمه: محمدرضا عطایی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- شعرانی، ابوالحسن (بی‌تا). شرح فارسی تجرید الاعتقاد، بی‌جا: بی‌نا.
- شهرستانی، سید هبه‌الدین (۱۳۸۷). اسلام و هیئت، ترجمه و توضیحات: سید هادی خسروشاهی، قم: بوستان کتاب.
- شهری مهرآباد، حمیده (۱۳۹۴). «جایگاه فضل بن شاذان بن خلیل ازدی، در دفاع از اعتقادات شیعه»، در: تاریخ پژوهی، ش ۶۲، ص ۳۴۹-۳۷۸.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶). شرح أصول الکافی، تهران: بی‌نا.
- ضیایی، محمدعلی (۱۳۸۰). «استفاده از محاسبات نجومی در امور شرعی»، در: مقالات و بررسی‌ها، ش ۷۰، ص ۱۴۳-۱۵۴.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- فیاض لاهیجی، ملا عبدالرزاق (۱۳۸۳). گوهر مراد، تهران: سایه، چاپ اول.
- قطان مروزی، حسن بن علی (۱۳۹۰). کیهان‌شناخت، تهران: موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- قطب‌الدین شیرازی، محمود بن مسعود (بی‌تا). اختیارات مظفری، تهران: کتاب‌خانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، شماره بازیابی: ۶۴۹۲/۱.
- قمی (قاضی سعید)، محمد سعید بن محمد (۱۴۱۵). شرح توحید الصدوق، تهران: بی‌نا.
- کاشانی، کمال‌الدین عبدالرزاق (بی‌تا). مجموعه رسائل و مصنفات کاشانی، تهران: میراث مکتوب.
- کرومبی، آ. سی. (۱۳۷۱). از آگوستین تا گالیله، ترجمه: احمد آرام، تهران: سمت.
- کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۴). اختیار معرفة الرجال، تلخیص و تهذیب: شیخ طوسی، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیه السلام) لاحیاء التراث.
- کلینی، محمد (۱۳۶۲). الکافی، تهران: اسلامیه، چاپ دوم.
- کلینی، محمد (بی‌تا). الکافی، ترجمه: مصطفوی، تهران: بی‌نا.
- گرامی، سید محمدهادی (۱۳۹۱). «بازشناسی جریان هشام بن حکم در تاریخ متقدم امامیه»، در: مطالعات تاریخ اسلام، ش ۱۲، ص ۱۳۵-۱۶۶.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۵۱). آسمان و جهان، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، تهران: اسلامیه.

مختاری، رضا (۱۳۸۴). «اعتبار قول هیروی در رویت هلال»، در: تحقیقات اسلامی، س ۱۶-۱۷، ش ۱ و ۲، ص ۴۵-۷۶.
مروزی بخاری، محمد بن مسعود (بی تا). کفایة التعلیم فی صناعة التنجیم، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

مسترحمی، سید عیسی (۱۳۸۷). «قرآن و نجوم»، در: قرآن و علم، ش ۲، ص ۹۱-۱۱۲.

مسترحمی، سید عیسی (۱۳۸۸). «آسمان از دیدگاه قرآن و دانش نجوم»، در: پژوهش نامه علوم و معارف قرآن کریم، ش ۴، ص ۸۳-۱۱۶.

مسترحمی، سید عیسی (۱۳۸۹). «اعجاز نجومی قرآن»، در: قرآن و علم، ش ۷، ص ۹۳-۱۳۰.

معزی، مریم (۱۳۹۳). «بازنگری در انتساب کتاب روضة التسلیم به خواجه نصیرالدین طوسی»، در: مطالعات تاریخ اسلام، س ۶، ش ۲۱، ص ۱۶۷-۱۸۶.

مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳). تصحیح الاعتقاد یا تصحیح اعتقادات الامامیه، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، تهران: بی نا، چاپ چهارم.

میرداماد، محمد باقر بن محمد (۱۴۰۳). التعلیقة علی کتاب الکافی، تحقیق: مهدی رجایی، قم: مطبعة الخیام.

میرداماد، محمدباقر بن محمد (۱۳۸۰). جذوات و مواقیت، حاشیه: علی بن جمشید نوری، تحقیق: علی اوجبی، تهران: مرکز پژوهشی میراث.

نصر، سید حسین (۱۳۴۲). نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت، تهران: دانشگاه تهران.

نصر، سید حسین (۱۳۴۵). «مختصری درباره تحقیقات نوین در تاریخ نجوم اسلامی»، در: معارف اسلامی، ش ۲، ص ۳۵-۴۰.

نصر، سید حسین (۱۳۵۹). علم و تمدن در اسلام، ترجمه: احمد آرام، تهران: خوارزمی.

نصیرالدین طوسی، محمد (۱۳۶۳). تصورات یاروضة التسلیم، تهران: جامی.

نصیرالدین طوسی، محمد (۱۴۰۷). تجرید الاعتقاد، تهران: مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول.

نصیرالدین طوسی، محمد (۱۴۱۳). رسالة قواعد العقائد، بیروت: دار الغربیة، الطبعة الاولى.

نصیرالدین طوسی، محمد (بی تا الف). زبدة الهیئة، طهران: کتابخانه و مرکز اسناد ملی جمهوری اسلامی ایران، شماره بازیابی: ۶-۱۶۱۹۴.

نصیرالدین طوسی، محمد (بی تا ب). معینیه، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، شماره بازیابی: ۲/۶۳۴۶.

نعمه، عبدالله (۱۳۶۷). فلاسفة شیعه، ترجمه: جعفر غضبان، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

وطن دوست، محمدعلی (۱۳۹۷). «بررسی تحلیلی دیدگاه ملاصدرا درباره عرش و کرسی با تکیه بر مبانی حکمت

متعالیه»، در: اندیشه نوین دینی، ش ۵۵، ص ۱۰۵-۱۱۸.

هاسکین، میخائیل (۱۳۹۲). تاریخ ستاره شناسی، تهران: بصیرت.

References

The Holy Quran.

Abu Reyhan Biruni, Mohammad ibn Ahmad. 1983. *Al-Tafhim le Awael Senaat al-Tanjim (An Introduction to Astrology)*, Tehran: Babak. [in Arabic]

Abu Reyhan Biruni, Mohammad ibn Ahmad. 1983. *Tahghigh Ma le al-Hend*, Beirut: World of Books, Second Edition. [in Arabic]

Agha Bozorg Tehrani, Mohammad Mohsen. n.d. *Al-Zariah ela Tasanif al-Shia*, Qom: Ismailiyan. [in Arabic]

Aristotle. 2000. *Dar Aseman (In Sky)*, Translated by Ismail Saadat, Iran: Hermes. [in Farsi]

Arusi Howeyzi, Abd Ali ibn Jomah. 1994. *Tafsir Nur al-Thaghalayn (Commentary of the Light of the Two Weighty Things)*, Qom: Ismailiyan, Fourth Edition. [in Arabic]

Ashari, Abu al-Hasan. 1980. *Maghalat al-Eslamiyin wa Ekhtelaf al-Mosallin (Islamists' Statements and Difference Between Worshipers)*, German: Wiesbaden, Third Edition. [in Arabic]

Bahrani, Kamal al-din Meytham. 1996. *Sharh Nahj al-Balaghah*, Translated by Mohammadi Moghaddam & Nawayi, Mashhad: n.pub. [in Arabic]

Bayat Mokhtari, Mahdi. 2011. "Arsh Khoda wa Tafawot An ba Korsi (The Throne of God and Its Difference from the Seat)", in: *Research in Quranic and Hadith Sciences*, no. 16, pp. 53-84. [in Farsi]

Bayat Mokhtari, Mashallah. 2006. "Arsh Elahi, Wagerayi wa Hamgerayi An ba Korsi (Divine Throne, Its Divergence and Convergence with the Seat)", in: *Theology and Islamic Law*, no. 3, pp. 45-78. [in Farsi]

Beheshti, Ahmad. 2003. *Ghayat wa Mabadi: Sharh Namat Sheshom az al-Esharat wa al-Tanbihat*, Qom: Book Garden. [in Arabic]

Chalmers, Alan Francis. 2002. *Chisti Elm (What is This Thing Called Science?)*, Translated by Said Ziba Kalam, n.p: Samt. [in Farsi]

Crombie, Alistair Cameron. 1992. *Augustine to Galileo: the History of Science*, Translated by Ahmad Aram, Tehran: Samt. [in Farsi]

Dadbeh, Asghar; Anwari, Said. 2005. "Ibn Sina wa Falak Mohaddad al-Jehat (Ibn Sina and the Firmament of the Limiting Directions)", in: *Articles and Reviews*, no. 77, Second Book, pp.101-122. [in Farsi]

- Dadbeh, Asghar; Anwari, Said. 2007. "Nazariyeh Aflak wa Tathir An bar Falsafeh Islami (Theory of the Heavens and Its Effect on Islamic Philosophy)", in: *Sinai Wisdom*, no. 38, pp. 47-87. [in Farsi]
- Dorosti Motlagh, Marjan; Malayeri, Musa; Parcheh Baf Dolati, Mohammad. 2017. "Tabyin wa Naghd Didgah Kalami, Hekami wa Erfani Ghazi Said Qomi darbarez Jaygah Arsh wa Korsi dar Nezam Hasti (Explaining and Criticizing the Theological, Philosophical and Mystical View of Judge Said Qomi on the Position of the Throne and the Seat in the System of Existence)", in: *Islamic Theology*, no. 101, pp. 81-100. [in Farsi]
- Elahi Ghomsheyi, Mahdi. 1984. *Hekmat Elahi Aam wa Khas (General and Special Divine Wisdom)*, Tehran: n.pub.
- Esfarayeni, Molla Ismail. 2004. *Anwar al-Erfan (Lights of Mysticism)*, Qom: n.pub. [in Arabic]
- Esterabadi, Mohammad Jafar ibn Seyf al-Din. 2003. *Al-Barahin al-Ghateah fi Sharh Tajrid al-Aghaed al-Sateah (Conclusive Proofs in Explaining the Abstraction of Bright Beliefs)*, Qom: Book Garden. [in Arabic]
- Fayyaz Lahiji, Molla Abd al-Razzagh. 2004. *Gohar Morad (Gem of Intention)*, Tehran: Shadow, First Edition. [in Farsi]
- Gerami, Seyyed Mohammad Hadi. 2012. "Bazshenasi Jaryan Hesham ibn Hakam dar Tarikh Moteghaddem Imamiyyeh (Recognition of the Current of Hesham ibn Hakam in the Early History of the Imamiyyah)", in: *Studies in the History of Islam*, no. 12, pp. 135-166. [in Farsi]
- Ghattan Merwazi, Hasan ibn Ali. 2011. *Keyhan Shenakht (Knowledge of Universe)*, Tehran: Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly. [in Farsi]
- Ghotb al-Din Shirazi, Mahmud ibn Masud. n.d. *Ekhtiyarat Mozaffari*, Tehran: Library, Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly, First Edition, Retrieved No: 1/6492. [in Arabic]
- Hoseyni Bedakhshani, Seyyed Jalal. 2004. "RozeH Taslim ya Tasawworat", in: *Bokhara*, no. 39-40, pp. 371-375. [in Farsi]
- Hoseyni Marashi, Fathollah ibn Mohammad Reza. n.d. *Taswiyah al-Talim fi Marefah al-Taghwim*, Tehran: The National Library and Archives of Iran, First Edition, Retrieved No: 16090-5. [in Arabic]
- Hoskin, Michael. 2013. *Tarikh Setareh Shenasi (History of Astronomy)*, Tehran:

- Basirat. [in Farsi]
- Ibn Babewayh, Mohammad ibn Ali. 1983. *Maani al-Akhbar (Meanings of the Narrations)*, Qom: n.pub. [in Arabic]
- Ibn Babewayh, Mohammad ibn Ali. 1992. *Al-Eteghadat (The Beliefs)*, Translated by Mohammad Ali Hasani, Tehran: n.pub. [in Farsi]
- Ibn Babewayh, Mohammad ibn Ali. 1993. *Al-Eteghadat (The Beliefs)*, Qom: The World Conference of the Sheikh Mofid, Second Edition. [in Arabic]
- Ibn Babewayh, Mohammad ibn Ali. 1998. *Maani al-Akhbar (Meanings of the Narrations)*, Translated by Abd al-Ali Mohammadi Shahrudi, Tehran: Second Edition. [in Arabic]
- Ibrahimi Dinani, Gholam Hoseyn. 2003. "Ghazi Said Qomi Yeki az Hokamay Hawzeh Falsafi Isfahan (Judge Said Qomi, One of the Scholars of the Philosophical Field of Isfahan)", in: *Kherad Nameh Sadra*, no. 32, pp. 10-12. [in Farsi]
- Kashani, Kamal al-Din Abd al-Razzagh. n.d. *Majmueh Rasael wa Mosannafat Kashani (Collection of Kashani's Epistles and Works)*, Tehran: Witten Heritage. [in Farsi]
- Kashi, Mohammad ibn Omar. 1984. *Ekhtiyar Marefah al-Rejal*, Summarized & Edited by Sheikh Tusi, Qom: Al-Bayt (AS) Foundation for the Revival of Heritage. [in Arabic]
- Kheshti, Zohreh. 2016. Barresi Ara wa Andisheh-hay Jahanshenakhti Ayatollah Mesbah Yazdi Piramun Arsh, Korsi, Malaekah, Jen wa Sheyatn (A Study of Ayatollah Mesbah Yazdi's Cosmological Thoughts about Throne, Seat, Angels, Genie and Satan), Master's Thesis in Imami Theology, Quran and Hadith University. [in Farsi]
- Koleyni, Mohammad. 1983. *Al-Kafi*, Tehran: Islamiyyeh, Second Edition. [in Arabic]
- Koleyni, Mohammad. n.d. *Al-Kafi*, Translated by Mostafawi, Tehran: n.pub.
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1972. *Aseman wa Jahan (Heavens and the World)*, Translated by Mohammad Bagher Kamareyi, Tehran: Islamiyyeh. [in Farsi]
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1984. *Behar al-Anwar (Seas of Lights)*, Beirut: Al-Wafa Institute. [in Arabic]
- Makarem Shirazi, Naser. 2007. *Yek Sad wa Hashtad Porsesh wa Pasokh (One Hundred and Eighty Questions and Answers)*, Tehran: n.p, Fourth Edition. [in

Farsi]

- Merwazi Bokhari, Mohammad ibn Masud. n.d. *Kefayat al-Talim fi Senaat al-Tanjim (Efficient Education in the Astrology)*, Tehran: Library, Museum and Documentation Center of the Islamic Consultative Assembly. [in Arabic]
- Mirdamad, Mohammad Bagher ibn Mohammad. 1983. *Al-Talighah ala Ketab al-Kafi (Annotation on the Book al-Kafi)*, Researched by Mahdi Rajayi, Qom: Al-Khayyam Press. [in Arabic]
- Mirdamad, Mohammad Bagher ibn Mohammad. 2001. *Jazawat wa Mawaghith*, Annotated by Ali ibn Jamshid Nuri, Researched by Ali Ojabi, Tehran: Research Institute of Heritage.
- Moezi, Maryam. 2014. "Baznegari dar Entesab Ketab Rozat al-Taslim be Khajeh Nasir al-Din Tusi (Review of the Attribution of the Book Rawzah al-Taslim to Khajeh Nasir al-Din al-Tusi)", in: *Studies in the History of Islam*, yr. 6, no. 21, pp. 167-186. [in Farsi]
- Mofid, Mohammad ibn Mohammad al-Noman. 1992. *Tashih al-Eteghad (Revision of Beliefs)*, Qom: Sheikh Mofid World Congress. [in Arabic]
- Mokhtari, Reza. 2005. "Etebar Ghol Hayawi dar Royat Helal (The Validity of Hayawi's Statement in Seeing the Crescent)", in: *Islamic Studies*, yr. 16-17, no. 1 & 2, pp. 45-76. [in Farsi]
- Mostarhami, Seyyed Isa. 2008. "Quran wa Nojum (Quran and Astronomy)", in: *Quran & Science*, no. 2, pp. 91-112. [in Farsi]
- Mostarhami, Seyyed Isa. 2009. "Aseman az Didgah Quran wa Danesh Nojum (Sky from the Perspective of the Quran and Astronomy)", in: *Journal of Science and Education of the Holy Quran*, no. 4, pp. 83-116. [in Farsi]
- Mostarhami, Seyyed Isa. 2010. "Ejaz Nojumi Quran (Astronomical Miracle of the Quran)", in: *Quran & Science*, no. 7, pp. 93-130. [in Farsi]
- Nasir al-Din Tusi, Mohammad. 1984. *Tasawworat ya Rozah al-Taslim (Imaginations)*, Tehran: Jami. [in Farsi]
- Nasir al-Din Tusi, Mohammad. 1987. *Tajrid al-Eteghad (Abstraction of Beliefs)*, Tehran: Publication Center for Islamic Media Library, First Edition. [in Arabic]
- Nasir al-Din Tusi, Mohammad. 1992. *Resalah Ghawaed al-Aghaed (Treatise on the Rules of Beliefs)*, Beirut: Al-Ghorbah House, First Edition. [in Arabic]
- Nasir al-Din Tusi, Mohammad. Mohammad. n.d. a. *Zobdah al-Heyah*, Tehran: Library and National Documentation Center of the Islamic Republic of Iran,

- Retrieved No: 6- 16194. [in Arabic]
- Nasir al-Din Tusi, Mohammad. Mohammad. n.d. b. *Moiniyyah*, Tehran: Library and National Documentation Center of the Islamic Republic of Iran, First Edition, Retrieved No: 2/6346. [in Arabic]
- Nasr, Seyyed Hoseyn. 1963. *Nazar Motefakkeran Islami darbarez Tabiat (Islamic Thinkers' Views on Nature)*, Tehran: University of Tehran. [in Farsi]
- Nasr, Seyyed Hoseyn. 1966. "Mokhtasari darbarez Tahghighat Nowin dar Tarikh Nojum Islami (A Brief on New Research in the History of Islamic Astronomy)", in: *Islamic Teachings*, no. 2, pp. 35-40. [in Farsi]
- Nasr, Seyyed Hoseyn. 1980. *Elm wa Tamaddon dar Islam (Science and Civilization in Islam)*, Translated by Ahmad Aram, Tehran: Kharazmi. [in Farsi]
- Nemah, Abdollah. 1988. *Falasefeh Shiah (Shiite Philosophers)*, Translated by Jafar Ghazban, Tehran: Islamic Revolution Publishing and Education Organization. [in Farsi]
- Qomi (Judge Said), Mohammad Said ibn Mohammad. 1994. *Sharh Tawhid al-Sadugh (Commentary of Sadugh's Tawhid)*, Tehran: n.pub. [in Arabic]
- Razawi, Rasul. 2017. *Tarikh Kalam Imamiyeh: Hozeha wa Jaryan-hay Kalami (History of Imami Theology: Theological Domains and Currents)*, Qom: Hadith House. [in Farsi]
- Razawi, Rasul; Darini, Reza. 2017. "Wakonesh Motekalleman dar Barabar Chalesh-hay Barkhasteh az Heyat Batlamyusi (Theologians' Response to the Challenges Posed by Ptolemaic System)", in: *Islamic Theology*, no. 103, pp. 129-145. [in Farsi]
- Razawi, Rasul; Soleymani Behbahani, Abd al-Rahim. 2019. *Maaref wa Aghayed 6 (Knowledge and Beliefs 6)*, Qom: Seminary Management Center, Second Edition. [in Farsi]
- Rezayi, Mohammad Ali. 2002. *Pajuheshi dar Ejaz Elmi Quran (Research in the Scientific Miracle of the Quran)*, Rasht: n.pub. First Edition. [in Farsi]
- Sabzewari, Molla Hadi. 1990-1991. *Sharh al-Manzumeh*, Annotated by Hasanzadeh Amoli, Researched by Talebi, Tehran: Nab. [in Arabic]
- Sadr al-Din Shirazi, Mohammad ibn Ibrahim. 1987. *Sharh Osul al-Kafi*, Tehran: n.pub. [in Arabic]
- Sezgin, Fouad. 1992. *Goftarhayi Piramun Tarikh Olum Arabi wa Islami (Discourses on the History of Arabic and Islamic Sciences)*, Translated by Mohammad Reza

- Ataei, Mashhad: Astan Qods Razavi Islamic Research Foundation. [in Farsi]
- Shahiri Mehrabad, Hamideh. 2015. "Jaygah Fazl ibn Shazan ibn Khalil Azodi dar Defa az Eteghadat Shiah (The Position of Fazl ibn Shazan ibn Khalil Azodi in Defending Shiite Beliefs)", in: *History Studies*, no. 62, pp. 349-378. [in Farsi]
- Shahrestani, Seyyed Hebat al-Din. 2008. *Islam wa Heyat (Islam & Astrology)*, Translated & Explained by Seyyed Hadi Khosroshahi, Qom: Book Garden. [in Farsi]
- Sharani, Abu al-Hasan. n.d. *Sharh Farsi Tajrid al-Eteghad*, n.p: n.pub. [in Farsi]
- Sobhani, Mohammad Taghi. 2012. "Kalam Imamiyeh: Rishah-ha wa Ruyesh-ha (Imami Theology: Roots and Growths)", in: *Critique & Review*, no. 1, pp. 12-20. [in Farsi]
- Sobhani, Mohammad Taghi; Rezayi, Mohammad Jafar. 2012. "Madreseh Kalami Isfahan (Isfahan Theological School)", in: *History of Philosophy*, no. 11, pp. 111- 138. [in Farsi]
- Tahawoni, Mohammad Ali. 1996. *Mawsuah Kashshaf Estelahat al-Fonun wa al-Olum (Glossary of Art and Science)*, Beirut: Lebanon Publishers Press. [in Arabic]
- Torabi Ghomsheyi, Akbar. 1995. "Hesham ibn Hakam wa Ettehamat 2 (Hesham ibn Hakam & Charges 2)", in: *Islamic Theology*, no. 16, pp. 56-66. [in Farsi]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. n.d. *Al-Tebyan fi Tafsir Al-Quran (Clarification in the Interpretation of the Quran)*, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Watandust, Mohammad Ali. 2018. "Barresi Tahlili Didgah Molla Sadra darbareh Arsh wa Korsi ba Tekkiyeh bar Mabani Hekmat Motealiyyeh (Analytical Study of Molla Sadra's View on the Throne and the Seat based on the Fundamentals of Transcendent Wisdom)", in: *New Religious Thought*, no. 55, pp. 105-118. [in Farsi]
- Zadeh Bameri, Morteza. 2017. "Arsh wa Korsi az Manzar Allameh Tabatabai (Throne and Seat from the Perspective of Allameh Tabatabai)", in: *Lights of Knowledge*, no. 13, pp. 65-78. [in Farsi]
- Zamani Ghomsheyi, Ali. 2002. *Heyat wa Nojum Islami (Islamic Astrology and Astronomy)*, Qom: Cultural Institute of Sama. [in Farsi]
- Ziyayi, Mohammad Ali. 2001. "Estefadeh az Mohasebat Nojumi dar Omur Shar'i (Use of Astronomical Calculations in Religious Affairs)", in: *Articles and Reviews*, no. 70, pp. 143-154. [in Farsi]